

توبه، از کیفرزدایی و بازاجتماعی کردن بزهکار تا تقابل با حقوق بزه‌دیده

رامین پورسعید^۱

بتول سلیمی منش^۲

حمید علیزاده^۳

چکیده

در حقوق جزای اسلام مواردی پیش‌بینی شده است که با اعمال آن‌ها، مجازات مرتکب منتفی می‌شود، یکی از مواردی که مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته، توبه است. بدین ترتیب قانون مجازات اسلامی همگام با سیاست جنایی اسلام به‌طور مجزا به آن پرداخته و سقوط، عفو و تخفیف مجازات را در صورت احراز توبه برای مرتکب جرم در نظر گرفته است. جهت استفاده بهینه از آن باید، در نحوه احراز شرایط و همچنین تأسیس و گسترش برنامه‌های بازپروری بزهکاران و حقوق بزه‌دیدگان و موارد ابهام از جمله نحوه احراز توبه و تشخیص اصلاح مجرمین، نظارت بر استمرار اصلاح مجرمین و همچنین عدم وجود برنامه‌های بازپذیری ویژه برای مجرمین جنسی رفع گردد تا بتوان برای اصلاح فرد و جامعه از ظرفیت موجود در قانون استفاده کرد. بدین ترتیب در پژوهش حاضر به بررسی ظرفیت کیفرزدایی در سیاست جنایی پرداخته و توبه را به‌عنوان یکی از چالش‌های حتمیت اجرای مجازات در جهت اصلاح و بازپروری بزهکار مورد تحلیل و بررسی قرار داده است. بر این اساس می‌توان چنین بیان کرد که اگر توبه به معنی حقیقی ابراز گردد و حقوق بزه‌دیده تضمین شود شخص تحت اقدامات اصلاحی و بازپرورانه قرار گیرد، می‌توان حالت خطرناک وی را رفع نمود، اما به دلیل تورم پرونده‌های کیفری و نبود تخصص و ابزارهای کافی نمی‌توان به‌طور گسترده از ظرفیت موجود استفاده کرد، لذا آنچه در این پژوهش ثابت شده است توبه به‌عنوان یک تفرید کیفری، نیازمند تخصص، علم و تجربه است. با توجه به این که احراز توبه در اختیار قاضی می‌باشد هرگونه اشتباهی در این خصوص می‌تواند آن را از یک فرصت به تهدید در تقابل با حقوق بزه‌دیده تبدیل نماید.

کلیدواژه‌ها: توبه، کیفر زدایی، عدالت ترمیمی، بازپروری بزهکاری

۱. استادیار، دانشگاه پیام نور، واحد مرکز کرج

۲. دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه پیام نور، واحد مرکز کرج. (نویسنده مسئول)
bslymymnsh@gmail.com

۳. دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد فقه و حقوق جزا، دانشگاه دامغان.

مقدمه

توبه از جمله تأسیساتی است که در حقوق جزای اسلامی و در راستای کیفرزدایی در پرتو جلب مشارکت بزهکار در فرآیند مبارزه با بزهکاری پیش‌بینی شده است. بدون تردید موثرترین راه به-منظور نیل به اهداف حقوق جزا اقدامات داوطلبانه‌ای است که مجرم بدون احساس اعمال فشار از خارج، برای ترمیم آثار جرم ارتكابی و تغییر مسیر زندگی و اصلاح خویش انجام می‌دهد (صادقی، ۱۳۹۲، ۱۵۴). جرایم ارتكابی در جامعه توسط بزهکارانی صورت می‌گیرد که بدون قصد و سوء نیت قبلی و تنها به خاطر قرار گرفتن در یک فضای مجرمانه، مرتکب جرم می‌شوند، بجا است که فرصت توبه؛ بتواند راه اصلاح و بازگشت چنین اشخاصی را که سابقه سوء‌کیفری نداشته و به طور اتفاقی آهنگ ارتكاب جرم کرده‌اند اگراز رفتار خود پشیمان و حاضر به جبران مافات شوند، به جامعه فراهم کند و آن‌ها را از ورود به دستگاه قضایی و سرانجام از مجازات برهند (طاهری، ۱۳۹۳، ۷). توبه در قرآن کریم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و آیات متعددی به آن اشاره شده است (اسلام پور، ۱۳۸۴، ۴۰). یکی از آثاری که بر توبه بار شده، اثر حقوقی آن است که این اثر در فقه جزا مورد بررسی قرار گرفته و از نقش توبه از اسقاط حدود نام برده شده است (طاهری، ۱۳۹۳، ۱۳۴). توجه به آموزه‌های عدالت ترمیمی در سیاست جنایی تقنینی، قضایی و اجرایی از رهگذر کیفرزدایی برکت‌های زیادی را نصیب نظام کیفری خواهد کرد بدین معنا که جرح و تعدیل واکنش کیفری در قالب کاهش شدت یا حذف آن در بر می‌گیرد (آنسل، ۱۰۷: ۱۳۹۱ به نقل از آقای نیا، ۱۳۹۵، ۶۴).

اصلاح و بازپذیری بزهکاران یکی از سیاست‌های اساسی سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران است که بنیان آن بر بند ۵ از اصل ۱۵۶ قانون اساسی معینی است، بازپذیری اجتماعی بزهکاران رویکردی است که به منظور پذیرش مجدد بزهکار در جامعه، توام با عدم پذیرش رفتار جنایی وی ترسیم و اجرا می‌شود. توجه عمیق به ارزشمند (توبه) در نظام کیفری اسلام و پاره‌ای از روایات درباره آن به خوبی نشان می‌دهد که اسلام به مجازات به عنوان یک ابزار مطلوب نمی‌نگرد و در حقیقت، اساساً به اصلاح و تربیت مجرم و بازداشتن وی از ارتكاب دوباره جرم، بازدارندگی عمومی مجازات، و در نهایت به مصلحت جامعه می‌اندیشد (قربانیا، ۱۳۷۷، ۲۱) از این رو بازپذیری اجتماعی بزهکار که در فرآیند توبه مجازاتش ساقط یا تخفیف یافته حائز اهمیت خواهد بود. بازپذیری اجتماعی بزهکاران، رویکردی است که به منظور پذیرش مجدد بزهکار در جامعه، توام با عدم پذیرش رفتار جنایی وی ترسیم و اجرا می‌شود. در این رویکرد رفتار جنایی بزهکار طرد می‌شود. ولی خود فرد، به عنوان شخص که بنا به دلایلی مرتکب جرم شده و بنا به ذات پویایش امکان تحول و بازگشت به زندگی اجتماعی را دارد، موضوع تدابیر بازپذیرانه قرار می‌گیرد تا بتواند به زندگی جمعی بازگردد (افراسیابی، ۱۳۸۹، ۳۴). در این پژوهش سعی بر این است که شرایط احراز توبه، نحوه بازاجتماعی کردن بزهکار و تقابل بزهکار و بزه‌دیده در فرآیند توبه واکاوی شود.

۱- تعریف توبه

توبه^۱ راه بازگشتن از بی راهی و آمدن باز راه تعریف کرده‌اند (صادقی، ۱۳۹۲، ۱۵۵). و مراد از آن رجوع و بازگشت از جرم و عصیان به سوی طاعت و فرمان‌بری است. خداوند در قرآن کریم و در آیات متعدد انسان‌ها را به توبه تشویق می‌نماید «قرآن کریم توابین را مساوی با مطهرین قرار داده.^۲ با توجه به مطالعات بیان شده چنین استنباط می‌شود که توبه، عبارت است از یک ندامت و پشیمانی که اعتراف و اعتذار را در پی دارد و مانع از بازگشت به اعمال مجرمانه و گناه می‌شود: بنابراین سه عنصر ندامت، پشیمانی، اعتذار و عدم بازگشت بر گناهان در مفهوم توبه نهفته است (اسلام پور، ۱۳۸۴، ۷۵).

۲- فلسفه توبه

رویکرد کیفی توبه که به توبه حقوقی نیز مشهور است، توبه‌ای است که در محکمه و حضور قاضی انجام می‌گیرد. این نوع توبه در جهت تحقق اهداف وظیفه مجازات تشریح شده است، زیرا وظیفه شریعت اسلامی از قانون‌گذاری حمایت و حفاظت از مصالح دنیوی و اخروی افراد جامعه است. بنابراین تشریح توبه در حقوق اسلامی نمی‌تواند برخلاف این اصل و یا به‌منظور تشویق بزهکاران به ارتکاب بزه و یا تسهیل ارتکاب آن و یا فرار از مجازات باشد، بلکه توبه صادقانه که با رعایت شرایط و ارکان آن صورت پذیرفته باشد، می‌تواند راهی برای پایان دادن به مجازات باشد چون هدف اصلی از اعمال مجازات، اصلاح مجرم است حال اگر این فهم با توبه تحقق یابد، دیگر نیازی به اجرای مجازات نیست، توبه شخص را با اختیار و با رضایت قلبی در مسیر اصلاح می‌کشد و این فرصتی است تا فرد بعد از اصلاح و بازسازی به جامعه بازگردد و زندگی جدیدی را آغاز کند (الفقه الاسلامی، ص ۵۵۵۳ به نقل از طاهری). بدون شک توبه، مناسب‌ترین و نزدیک‌ترین راه دستیابی به اصلاح و بازگشت اجتماعی بزهکار است، اقدامی داوطلبانه که به یقین به دلیل تمایل اختیاری مجرم، تأثیرات آن از استحکام و نفوذ عمیق‌ترین نسبت به واکنش مجهول، مراجع رسمی برخوردار خواهد شد. توبه در حقوق اسلامی دارای کارکرد اصلاح و بازپروری است که بدون تأسیسات مخصوص و با دوران ویژه و هزینه سرسام آور در اثر توصیه و سفارش شارع مقدس، بین فرد گناهکار و خداوند به شکلی بسیار جدی تر، نافذتر و واقعی تر از برنامه اصلاح و تربیت بزهکاران انجام می‌شود. ثمره اصلاح این است که روح مجرم متحول شود و بپذیرد که آنچه انجام داده است زشت بوده و تصمیم خالصانه بگیرد که زندگی خود را در آینده اصلاح نماید (همان، ۱۹۵). به نحوی که قادر باشد خود را همچون گذشته بار دیگر با جامعه هماهنگ و سازگار کند و این مهم با توبه محقق می‌یابد. یکی از اهداف مجازات‌ها،

1. repentance .

تشفی خاطر بزه دیدگان است. توبه این هدف را نیز می‌تواند محقق بخشد زیرا از شرایط احراز توبه، جبران حقوق گذشته است و کسب رضایت مجنی علیه از مصادیق این جبران می‌باشد.

۳- شرایط تحقق توبه کیفری

به دلیل آنکه توبه شخص مرتکب را از مجازات می‌رهاند ممکن است شخص در ظاهر توبه نماید. از این رو برای توبه کیفری شرایطی بیان شده است که تا این شرایط احراز نشود توبه نیز پذیرفته نمی‌شود. در ذیل به شرایط تحقق توبه پرداخته شده است.

۳-۱- ندامت و پشیمانی

یکی از مهم‌ترین ارکان توبه، پشیمانی است که کارآمدترین موقعیت را در اصلاح مجرم فراهم می‌سازد و این نشان از آگاهی و معرفت بزهکار به ناهنجاری عمل ارتكابی است، گاه توبه را همین ندامت دانسته‌اند. قطعاً توبه‌ای که خداوند آن را می‌پذیرد و در پرتو تعقل خود پذیرش آن را بر خویشتن واجب گردانده است توبه‌ای است که از ژرفای درون و عمق جان بر می‌جوشد و گویای این است که چنین کسی از دل‌وجان پشیمان شده و زندگی دوباره‌ای پیدا کرده است (طاهری، ۱۳۹۳، ۱۲). حقوقدانان اسلامی در تحقق توبه، ندامتی را معتبر شمرده‌اند که حاصل تنفر مجرم از عصیان و تجاوز نسبت به حدود الهی و ارزش‌های پذیرفته در جامعه اسلامی باشد.

۳-۲- عزم و اراده در عدم بازگشت به جرم

خداوند در سوره آل‌عمران در آیه ۱۳۵ می‌فرماید: بر آنچه مرتکب شده‌اند یا پافشاری ندارند. بر این مسئله تاکید دارد که توبه کسانی پذیرفته می‌شود که بر انجام گناه گذشته اصرار ندارند. زیرا اصرار بر گناهان نشان بی‌اعتنایی یا عناد و دشمنی با قوانین خداست بر این اساس کسانی که مرتکب تکبر از جرم می‌گردند. مشمول قاعده توبه نمی‌شوند و از سوء استفاده احتمالی مجرمان حرفه‌ای از این کیفری جلوگیری به عمل می‌آید.

۳-۳- عدم تاخیر عمدی در توبه

توبه‌کننده باید عجله و شتاب به خرج دهد، تا سایه شوم گناه و ظلمت معصیت و شر شیطان، هوای نفس از ضمه حیات رخت بریندد و نور قبولی توبه و ضیا رحمت و مغفرت و روشنایی صحت و سلامت بر فضای زندگی بتابد. این واجب از نظر فقهی و شرعی واجب فوری است (طوسی، ۱۴۲۰ق، ۲۲۴)، یعنی همان لحظه توبه گناهکار به گناه و این که با چه وجود مقدسی به مخالفت بر خواسته و نعمت چه نعمتی را تبدیل به گناه و معصیت کرده و در برابر چه مولای کریمی به مبارزه و جنگ بر خواسته، و رو در رو به چه وجود مهربانی شده، بدون معطلی و وقفه باید توبه کند و ریشه گناه را در سرزمین وجود خود با حرارت و ندامت و آتش حسرت بسوزاند.

۳-۴- جبران گذشته

شرط دیگر قبولی توبه جبران گذشته است. در قرآن کریم مصادیقی از جبران که عطف بر توبه شده آمده است. پس هر کس بعد از سمتش توبه کند و به اصلاح (خود) بپردازد، پس به درستی خدا توبه او را می‌پذیرد. مگر کسانی که بعد از آن (تهمت زدن) توبه کرده و اعمالشان را اصلاح نمایند. پس بی‌گمان خداوند آمرزنده و مهربان است (داوریار، ۱۳۹۳، ۱۵).

۳-۵- اعتراف به جرم

یکی از شرایط تحقق توبه، اعتراف به جرم ارتكابی است که عاملان از آن به «اعتذار» تعبیر کرده‌اند. در پاسخ به این سوال که چه تفاوتی بین ندامت و اعتراف به گناه وجود دارد؟ می‌توان گفت، در واقع اقرار یا اعتراف به گناه به نمود خارجی ندامت و پشیمانی است به عبارتی دیگر، ندامت، حالت درونی و اقرار شکل بیرونی توبه است ابن عربی معتقد است توبه، اعتراف به گناه است، مانند آدم که به ظلم خود اعتراف کند.

۴- اثر توبه بر مجازات

توبه در حقوق کیفری اسلام از معاذیر قانونی، معافیت از مجازات محسوب می‌شود، بدین معنا که جرم واقع شده و مجرم دارای شرایط مسئولیت کیفری است، اما رعایت پاره‌ای از مصالح و اعمال سیاست کیفری مناسب ایجاب می‌کند که از وی رفع مجازات شود. در این صورت جامعه بنا به دلایل گوناگون از جمله: تشویق افراد عضو گروه‌ها و غیر قانونی و برانداز به تیم، یا عدم تقصیر مامور مرتکب جرم، از اعمال مجازات صرف نظر می‌کند. در مورد شخص تائب نیز قضیه همین گونه است، یعنی با وجود این که عمل ارتكابی جرم بوده و مرتکب نیز دارای شرایط مسئولیت کیفری است، ولی قانونگذار به دلیل ندامت و پشیمانی حقیقی مجرم از مجازات او صرف نظر می‌کند. در ذیل به اثر توبه پرداخته شده است.

۴-۱- سقوط مجازات

اثر اصلی توبه، در صورتی که با شرایط لازم خود واقع شود، موجب سقوط مجازات مجرم می‌باشد، این اثر مربوط به توبه، پیش از ارتكاب جرم است که مورد اجماع فقهای امامیه است، چنان که صاحب کشف المراد ادعای اجماع بر سقوط عقاب کرده است. وی در این باره می‌نویسد: «الناس، اتفقوا علی سقوط العقاب بالتوبه» (علامه حلی، به نقل از اسلام پور ۱۳۸۴، ۷۸). قانون موضوعه ایران نیز در جهت فقه پویای اسلام، توبه قبل از دستگیری را مسقط کیفر دانسته است.

۴-۲- قابلیت عفو از مجازات

یکی دیگر از آثار توبه، مربوط به اثر توبه پس از اثبات جرم می‌باشد، که در این صورت، همانگونه که گذشت، توبه، عامل سقوط مجازات نیست، بلکه سبب عفو توسط قاضی است که در صورت تشخیص مصلحت فرد و جامعه مخیر است، مرتکب را از مجازات معاف نماید. چنان که در روایت متعددی این

مسئله عنوان شده است. چنان که در مقبره طلحه بن زید، امام علیه السلام فرمودند «انی اراک شابا لا باس بهتیک» (شیخ طوسی، ۱۴۲۰ق، ۱۲۷). چون تو را جوان می‌بینم اشکالی در عفو تو نیست یعنی: توجه به خود مجرم، صرف نظر از جرم ارتكابی در قوانین موضوعه کشور ما که بازتاب فقه پویای امامیه است، توبه بعد از اقرار را مسقط مجازات ندانسته است بلکه آن را سبب عفو قاضی می‌داند. (مرعشی شوشتری، ۱۳۶۹، ۵۶).

۵- کیفرزدایی به واسطه توبه در تعزیرات

تعزیر در لغت به معنای یاری کردن، احترام و تادیب است (شهید ثانی ۱۴۱۳ق، ۳۲۵). در اصطلاح فقهی به معنای کیفری است که شرع برای گناهکار در نظر گرفته است و از حد کمتر است. از تامل و دقت در سخنان فقها درباره نقش توبه در سقوط تعزیر معلوم می‌شود که به طور کلی در این باره سه نظر است:

۱- یکسانی حدود و تعزیرات

بر پایه این نظریه، تعزیرات نیز همانند حدود است و همه تفصیلات حد در خصوص تعزیر نیز جاری می‌شود. شیخ در نهاییه می‌نویسد: لازم به یادآوری است که قرائنی نشان می‌دهد که کلمه حد در جمله سقط عندالحداعم از حدود تعزیرات است و گواه این مطلب سخن حلی در کافی است. چه این که آن فقیه فرزانه این سخن را در باب تعزیرات آورده است نه حدود (شیخ طوسی، ۱۴۲۰ق، ۹۷).

۲- عدم تأثیر توبه در سقوط تعزیر

نکته بسیار مهم و اساسی در تعزیر این است که اصل جاری کردن تعزیر و اندازه نوع و کیفیت و عفو آن به اختیار حاکم است، حاکم با در نظر گرفتن مصلحت می‌تواند کسی را که گناهی کرده است و یا واجبی را ترک نموده و مستحق تعزیر شده است، عفو کند یا تعزیر را بر وی جاری کند. چه توبه کرده باشد و چه توبه نکرده باشد. از این رو در واقع توبه هیچ تأثیری در سقوط تعزیر ندارد و آنچه همه نقش و تأثیر را دارد نظر حاکم است برخی از فقیهان معاصر بر این نظرند (همان، ۵۸).

۳- سقوط مطلق تعزیرات با توبه

توبه، تعزیر را به طور مطلق ساقط می‌کند. شهید اول در کتاب القواعد و الفوائد این نظر را دارد، آن فرزانه جاوید ضمن توضیح فرق های حد و تعزیر می‌نویسد « فرق دیگر حد با تعزیر این است که توبه به طور مطلق تعزیر را ساقط می‌کند ولی در مورد حد اینطور نیست زیرا سقوط حد با توبه و همه حدود مورد اتفاق نیست، افزون بر این که توبه پیش از بینه حد را ساقط می‌کند، نه پس از آن (شهید ثانی، ۱۳۸۱، ۱۴۴).

۵-۱- رویکرد افتراقی قانون مجازات اسلامی در تأثیر توبه در مجازات‌های تعزیری

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ رویکرد افتراقی خاصی در خصوص تأثیر توبه در جرایم تعزیری برگزیده است که برخی از آن‌ها در منابع فقهی فاقد سابقه است. ماده ۱۱۵ قانون فوق الذکر مقرر دارد «در جرایم تعزیری درجه ۶، ۷، ۸ چنانچه مرتکب توبه نماید و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، مجازات ساقط می‌شود در سایر جرایم موجب تعزیر، دادگاه می‌تواند مقررات راجع به تخفیف مجازات را اعمال نماید». به موجب تبصره ۲ ماده فوق اطلاق این ماده شامل تعزیرات منصوص شرعی نمی‌شود بررسی تأثیر توبه بر واکنش‌های تعزیر مستلزم توجه به دسته بندی جرایم تعزیری و تفصیلی است که در منابع فقهی و قانون صورت گرفته است. زیرا چنانکه بیش از این نیز به صورت ضمنی به مواردی اشاره گردید نحوه و حدود تأثیر توبه می‌تواند در هر یک از انواع جرایم تعزیری متفاوت باشد. در ذیل به این رویکرد پرداخته شده است.

۵-۲- زمان توبه در تعزیرات

قانونگذار در این ماده بر خلاف قواعد حاکم بر حدود شرعی، تفاوتی میان توبه قبل از اثبات جرم و یا پس از آن قائل نشده است به نظر می‌رسد که این موضوع در راستای پیروی از قاعده «التعزیر الی الامام» است (شیخ طوسی، ۱۴۲۰ق، ۵). به نظر می‌رسد که در راستای عدم سوء استفاده از این مقرر، باید قواعد توبه در مجازات‌های تعزیری را ضابطه‌مند نمود و زمان توبه را قبل از اثبات جرم دانست با این که همان مقررات حاکم بر حدود را قابل اعمال دانست. قانونگذار برخلاف حدود، در ارتباط با تأثیر توبه در سقوط مجازات‌های تعزیری تفکیکی میان جرایم حق الناس و حق اللهی قائل نشده است.

۵-۳- تخفیف و سقوط مجازات توبه در تعزیرات

مطابق تبصره ۱ ماده ۱۱۵ مقررات راجع به توبه درباره کسانی که مقررات تکرار جرایم تعزیری در مورد آن‌ها اعمال می‌شود جاری نمی‌گردد. نپذیرفتن توبه در فرض تکرار جرم تعزیری قابل نقد به نظر می‌رسد چرا که حصول توبه در این شرایط غیر ممکن نیست. از این رو به نظر می‌رسد که قانونگذار می‌بایست تنها در فرض تکرار جرم در جایی که جرم قبلی مشمول توبه شده از اعمال مقررات توبه نسبت به جرم ارتكابی تکراری منع کند (زراعت، ۱۳۸۶، ۲۰). یا در صورت توبه، صرفاً امکان تخفیف مجازات را پیش‌بینی نماید.

۵-۴- تأثیر توبه در تعزیرات منصوص شرعی

منظور از تعزیرات منصوص شرعی آن دسته از مجازات‌های تعزیری است که نوع و میزان آن در شرع برای یک عمل معین شده است (شمس ناتری و همکاران، ۱۳۹۲، ۲۵۸). قانونگذار در تبصره ۲ ماده ۱۱۵ مقررات توبه را در تعزیرات مصنوعی شرعی قابل اعمال ندانسته است، اما با توجه به قابلیت سقوط مجازات‌های حدی با توجه و نیز مبانی شرعی تفکیک منصوص از

غیر منصوص و اصول تفسیری حقوق کیفری این تفکیک قابل انتقاد به نظر می‌رسد (سهام و برهانی، ۱۳۹۳، ۲۷۵).

۵-۵- ضمانت اجرای قانونگذار در تظاهر به توبه در تعزیرات

قانونگذار تظاهر به توبه در تعزیرات را باعث شدیدتر شدن مجازات دانسته است و چنانچه پس از اعمال مقررات توبه مرتکب تظاهر به توبه کرده است سقوط مجازات و تخفیفات در نظر گرفته شده ملغی و مجازات اجرا می‌گردد. در این مورد چنانچه مجازات از نوع تعزیر باشد مرتکب به حداکثر مجازات تعزیری محکوم می‌شود. یعنی در این صورت نه تنها مجازات مرتکب ساقط نگردید و از تخفیفی هم برخوردار نشده است، بلکه حداکثر مجازات تعزیری هم بر وی تحمیل گردیده است به عبارت دیگر، شرایط فرد در این صورت بدتر از وقتی خواهد بود که توبه نکرده است انتقاد از این مقرر خالی از وجه نمی‌نماید. مبانی این تشدید چیست؟ آیا تظاهر به توبه یک جرم است و تشدید مذکور، مجازات این جرم می‌باشد و یا این که تشدید به مجازات فریب دادن دستگاه قضاست؟ اگر جرم است، ارکان و روند رسیدگی آن کدام است و اساساً آیا نفس این تظاهر نیاز به رسیدگی و اثبات جداگانه ای دارد یا خیر؟ و اگر مجازات فریب دادن دستگاه قضاست آیا از لحاظ اصول حقوق کیفری، مبنای مشخص و مورد تایید دارد یا خیر؟ (صابر، ۱۳۹۴، ۹۵) به هر صورت مجرم وقتی در احاطه دستگاه عدالت کیفری قرار می‌گیرد، ممکن است از هر روشی برای فرار از مجازات استفاده کند، ممکن است دروغ بگوید از اقرار به جرم خودداری کند، از معرفی شرکا امتناع کند و یا تظاهر به عمل چون توبه برای فرار یا کاستن از کیفر نماید. طبیعی و مرسوم است که مقنن برای برهم زدن این معادله، و جهت ترغیب متهم به همکاری با دستگاه عدالت کیفری، وعده های کاستن یا معاف کردن از کیفر در ازای اقرار، همکاری در تحقیقات برای شناسایی شرکا و یا توبه بدهد لکن روی دیگر سکه یعنی افزودن بر مجازات در صورت عدم همکاری یا اقدامات انحراف آمیز در مسیر تحقیقات که انجام آن از سوی مرتکب به دور از انتظار نیست محل تردید است (همان، ۹۰).

۶- آثار توبه بر مجازات‌های حدی

قانونگذار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ متأثر از منابع فقهی شیعه بر تأثیر توبه در سقوط حد تصریح داشته و در ماده ۱۱۴ چنین بیان می‌دارد: در جرایم موجب حد به استثنای قذف و محاربه هرگاه متهم قبل از اثبات جرم توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، حد از او ساقط می‌گردد. همچنین اگر جرایم فوت غیر از قذف با اقرار ثابت شده باشد، در صورت توبه مرتکب، حق پس از اثبات جرم، دادگاه می‌تواند عفو مجرم را توسط رئیس قوه قضاییه از مقام رهبری درخواست نماید. بنابراین قانونگذار ضمن پذیرش توبه بز هکار در سقوط مجازات‌های حدی از طرفی تأثیر آن را در برخی حدود مقید ساخته و از جهت دیگری به طور ضمنی قابل به محدودیت قلمرو این تأثیر

شده است، زیرا اصولاً سقوط واکنش به مجرد توبه به جرایم حق الله منحصر است. در حق الناس اگر چه توبه بزهکار ممکن است نزد خداوند مورد پذیرش قرار گیرد، این امر نمی‌تواند به تضييع حقوق بزه دیدگان و بی‌توجهی به ضرورت جبران صدمات وارد به آنان منجر شود. تاکید بر لزوم تامین حقوق خسارت دیدگان موجب شده است که برخی، اداء مظالم و ترمیم صدمات قربانیان را از اجزا لازم در ثبوت توبه قلمداد کنند (به نقل از صادقی ۱۳۹۲، ۱۶۰). در حالی که اقدام به جبران زیان دارد، بر بزه‌دیدگان از آثار و تبعات توبه از نشانه‌های صداقت بزهکار در اظهار آن است. از این رو بزهکار تائب باید متناسب با جرایمی که مرتکب شده است، درصد تدارک و ترمیم زیان های وارده برآمده، رضایت بزه‌دیده را در دفع کیفر جلب کند. هرچند اضرار به مردم و تضييع حقوق دیگران با ارتکاب جرم، فی نفسه، تجاوز به حقوق الهی را نیز در خود دارد. قانونگذار در صدر ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی و نیز در ماده ۱۱۶ اگر چه به روشنی به تفصیل جرایم حدی از حیث حق الله یا حق- الناس بودن نپرداخته است اما به طور حتمی تأثیر توبه را منصرف از حقوق الناس دانسته، بر عدم سقوط حد قذف و محاربه به مجرد توبه تصریح کرده است. تاکید بر صیانت از حقوق بزه‌دیدگان تا آنجاست که هر گاه ارتکاب جرم حدی، وقتی مجازات آن در زمره حقوق الهی قلمداد شده است. به صورتی واقع شود که اضرار به غیر و تجاوز به حقوق بزه‌دیده نیز در پی داشته باشد، توبه معتبر تنها می‌تواند در اسقاط کیفر حد موثر باشد و آنچه به صورت مجازات تعزیری در ازا عناوین مجرمانه دیگر، در حق قربانی جرم، ثبوت یافته است با توبه ساقط نشده و تائب همچنان نسبت به آن موقعیت کیفری خواهد داشت (بجنوردی ۱۳۷۷، ۳۵۷: نجفی، ۱۴۰۸، ق، ۲۹۳).

بنابراین توبه در جرایم موجب حد به جز حد قذف از موجبات سقوط کیفر است. مشروط بر آن که تا قبل از اثبات جرم اظهار شود لکن در محاربه توبه تا قبل از دستگیری و سلطه بر وی موثر خواهد بود. بعد از اثبات جرم توبه فی نفسه در کیفر حد موثر نیست لکن اگر جرم حدی به اقرار ثابت شده باشد توبه می‌تواند در صورت اقتضای مصلحت موجبی برای درخواست عفو جرم از سوی ولی امر شود.

به استناد ماده ۲۱۹ ق.م.ا « هرگونه، تغییر در میزان مجازات‌های حدی جز از طریق توبه یا عفو ممنوع دانسته شده است ماده ۲۱۹ اشاره می‌دارد» دادگاه نمی‌تواند کیفیت، نوع و میزان حدود شرعی را تغییر یا مجازات را تقلیل دهد یا تبدیل یا ساقط نماید. این مجازات‌ها تنها از طریق توبه و عفو به کیفیت مقرر در این قانون قابل سقوط، تعطیلی یا تبدیل است.»

در برخی از موارد حدود امکان تعزیر پس از سقوط حد وجود دارد. در ابتدا به نظر می‌رسد که از آنجایی که روایات امام را در فرض توبه مجرم پس از اثبات جرم به وسیله اقرار فقط مخیر در عفو یا اجرای حد دانسته اند، تخفیف حد یا تعزیر پس از آن وجهی ندارد، اما با توجه به اهمیت رویکرد اصلاح مجرم در نظام کیفری اسلام و نیز قابلیت سقوط برخی حدود با حاصل شدن این شرط از طریق توبه علاوه بر سقوط حد، امکان تخفیف یا تبدیل آن نیز برقرار باشد (بهنسی، ۱۴۲۱ق، ۱۳۳). به علاوه اعمال تعزیر پس از سقوط حد، را می‌توان از باب مصلحت جایز دانست (اسهام و برهانی، ۱۳۹۳، ۲۷۴). این اساس تعزیر مرتکب با وجود توبه وی پس از اثبات جرم به وسیله اقرار یا سایر ادله اثبات دعوا قابل پذیرش است. براساس تبصره ۲ م ۱۱۴ «درزنا و لواط هر گاه جرم به عنف، اکراه و یا اغفال بزه دیده انجام گیرد، مرتکب در صورت توبه و سقوط مجازات به شرع مندرج در این ماده به حبس یا تشکیلات تعزیری درجه ۶ یا هر دوی آن‌ها محکوم می‌شود».

۷- باز اجتماعی نمودن بزهکار در پرتو توبه مرتکب

در واقع توبه، کم هزینه‌ترین قانون سقوط مجازات برای اصلاح بزهکار و تحقق اهداف اجرایی مجازات است. در قانون مجازات اسلامی چنین بیان شده است که با توجه به مجرم در جرایم مستوجب حد به استثنای قذف و محاربه هرگاه متهم قبل از اثبات جرم توبه کند و ندامت و اصلاح وی برای قاضی محرز شود حد آزاد ساقط می‌شود. همان طور که در ماده مذکور آمده است، اصلاح و ندامت بزهکار شرط سقوط مجازات می‌باشد، اما چگونگی احراز و تداوم اصلاح بزهکار در قوانین کیفری در حاله‌ای از ابهام می‌باشد و همین امر بازپذیری مجرم را دچار مشکل خواهد کرد بدین نحو که فرآیند سازگاری در روانشناختی و اجتماعی یک فرد در روند بازگشت به اجتماع وی به دلیل این که طبق فرآیند خامی نیست دچار اختلال خواهد شد درحالی که اگر برنامه‌های مدون در جمعیت بازپذیری بزهکار در روند توبه پذیرگی مجرم رخ دهد، در مراحل بعد حتی پیگیری از جرم و ممانعت از تکرار جرم و کاهش خطر تکرار از جانب بزهکاران را که از اهداف برنامه‌های بازپذیری را مهیا سازد فی‌الواقع اگر توبه با برنامه‌های بازپذیری تلفیق گردد موجب می‌شود که نه تنها در بُعد فردی، بلکه در بعد اجتماعی نیز قابل اثر باشد. بدین نحو که نه تنها شخص را اصلاح می‌کند، بلکه جامعه را در برابر تکرار جرم و گناه از سوی توبه کار ایمن می‌سازد (افراسیابی، ۱۳۸۵، ۳۵).

از جمله معایب اساسی سیستم عدالت کیفری این است که بزهکار پس از عبور از صافی‌های دستگاه عدالت کیفری انگ مجرمانه و با برچسب خوری به علت کارکرد و آثار روانی برچسب زنی پس از ورود به جامعه از طرف جامعه فرار شده و به حاشیه جامعه رانده می‌شود و سپس به علت این که بزهکار شخصیت بزهکاری خود را قبول کرده و آن را ویژگی شخصیتی خود تصور می‌نماید به نقش آفرینی خود به عنوان یک مجرم و بزهکار ادامه می‌دهد. بدین سان تعارض و شکاف ایجاد شده بین بزهکار و جامعه علاوه بر این که ترسیم نمی‌شود بلکه عمیق تر و وسیع تر می‌گردد، نمادهایی از

جمله توبه در قالب کیفرزدایی می‌تواند یکی از نمود عدالت ترمیمی در قانون مجازات اسلامی باشد که در روند دادرسی سقوط یا تخفیف مجازات را در پی خواهد داشت از پیامدهای منفی برچسب خوری مجرم را نجات می‌دهد و در طی یک فرآیند اصلاح کننده باز اجتماعی بزهکار را به زندگی روزمره در بر خواهد داشت.

۸- تقابل توبه با حقوق بزه‌دیده

در جرایم حق‌اللهی به بزه‌دیده نقشی در تعیین کیفر یا گذشت از آن، داده نمی‌شود. ولی در حدودی که دارای جنبه حق‌الناسی هستند، بزه‌دیده دارای حق است. این حق، شامل حق بر مال و حق معنوی است. در حد کذف، حق مجازات و یا صرف نظر کردن از آن به بزه‌دیده داده شده است. زیرا به واسطه ارتکاب آن، آبروی اشخاص در معرض تهدید قرار می‌گیرد. ماده ۲۵۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: حد کذف حق الناس است و تعقیب و اجرای مجازات منوط به مطالبه مقذوف است. در صورت گذشت مقذوف در هر مرحله، حسب مورد تعقیب، رسیدگی و اجرای مجازات موقوف می‌شود. حتی حق عفو در حد کذف بدون نظر بزه‌دیده وجود ندارد (مانند شرایط سرقت حدی).

در سایر جرایم حدی، حقی برای بزه‌دیده در نظر گرفته نشده است و این از نارسایی‌های مهم حقوق بزه‌دیده در جرایم حدی است. روایاتی وجود دارد که نشان می‌دهد می‌توان در حدود دارای جنبه حق‌اللهی به حقوق بزه‌دیده هم توجه کرد. پیامبر اکرم (ص) در روایتی فرمودند: «تعاؤوا الحدود فیما بینکم فیما بلغنی من حد فقد وجب»: یعنی حدود را در میان خود تقاضای گذشت کنید و هر حدی که به من رسیده، واجب است. مشهور فقیهان امامیه، قبل از شکایت، سرقت را حق الناس دانستند. (خوئی، ۱۴۴۲ق، ۳۱۳). همین مبنا می‌تواند در سایر جرایم حدی مثل زنا یا به عنف، اکراه و یا اغفال بزه دیده هم مورد توجه قرار گیرد. ممکن است بزهکار در موارد فوق توبه نماید، در این صورت مجازات وی بر اساس موازین فقهی و قانونی ساقط می‌شود. اگر بزهکار، به عنف، اکراه و یا اغفال بزه‌دیده، مرتکب زنا یا وی شود و توبه نماید، مجازت حدی درباره وی ساقط خواهد شد. در این صورت تکلیف بزه‌دیده چه خواهد شد؟ آیا حقوق وی بدون کیفر بزهکار تامین خواهد شد؟ در واقع عدم کیفر بزهکار، نوعی بزه‌دیدگی ثانویه نسبت به وی محسوب می‌شود. در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ این نارسایی تا حدودی برطرف شده و قانونگذار به حقوق بزه‌دیده در این موارد توجه کرده است. طبق تبصره ۲ ماده ۱۱۴ قانون یاد شده: در زنا و لواط هرگاه جرم به عنف، اکراه و یا با اغفال بزه‌دیده انجام گیرد، مرتکب در صورت توبه و سقوط مجازات به شرح مندرج در این ماده به حبس یا شلاق تعزیری درجه شش یا هر دو آن‌ها محکوم می‌شود. کیفر حدی چون دارای جنبه حق‌اللهی است با توبه ساقط می‌شود، ولی به جهت رعایت حق بزه‌دیده می‌توان او را کیفر کرد. این ماده چنین حقی را در نظام حقوقی ایران، برای اولین بار به رسمیت شناخته است (شیری، ۱۳۹۷،

۹۰). بنابراین در تقابل حقوق بزه‌دیده با توبه، حقوق بزه‌دیده نادیده انگاشته می‌شود. چرا که مقنن توبه مرتکب را منوط به گذشت یا جبران خسارت بزه‌دیده ننموده است. به علاوه عدم مجازات مرتکب تنها موجب التیام الام بزه‌دیده نمی‌شود، بلکه ممکن است خصیصه ارباب‌پذیری مجازات را نیز خدشه‌دار نماید.

نتیجه‌گیری

۱. حقوق کیفری برای حفظ نظم عمومی می‌تواند با اعمال کیفر در سایه جرم‌انگاری بزهکاران را تنبیه و با توسل به آن به پیشگیری عمومی برسد. قانون‌گذار ایران در قانون مجازات اسلامی در مسیر کیفرزدایی چندین قانونی را پیش‌بینی کرده است تا بتوانند از این طریق با تخفیف در مجازات، تأخیر در اجرای حکم و یا معافیت از کیفر و از طریق توبه در پی سقوط یا حذف مجازات بوده و از این‌رو، بیشتر بر اصلاح بزهکار تمرکز دارد و قانونگذار به‌درستی در پی اهداف عدالت‌ترمیمی بوده است که مهم‌ترین هدف در این راستا، اصلاح بزهکار می‌باشد و رویکرد قانون‌گذار قابل‌تحسین است. و توبه به عنوان عنصری قابل استفاده و مفید در راستای کیفرزدایی مورد استفاده مقنن بوده است.

۲. در مرحله اجرا شیوه مدونی در جهت احراز اصلاح و ندامت وی بیان نکرده است و یکی از نواقص استفاده از توبه، همین امر می‌باشد. با توجه به این که شرع اصلاح را بر مجازات ترجیح می‌دهد و توبه هم با توجه بر اصلاح مرتکب در حفظ شخصیت مجرم در جامعه را در نظر داشته است.

۳. آنچه در این راستا قابل نقد می‌باشد عملکرد ضعیف قانون‌گذار در مرحله اجرا می‌باشد که در مسیر اصلاح و بازپروری مجرمین به نحو احسن عمل ننموده است. همین امر موجب می‌شود که گروه عظیمی از مجرمین نه‌تنها اصلاح نشوند و تحت برنامه‌های بازپذیری قرار نگیرند بلکه به جرایم سنگین‌تر سوق داده شوند و آسیب‌های روانی، فیزیکی را نیز تحمل نمایند از این‌رو قانون‌گذار باید به فکر توسعه برنامه‌های بازپذیری باشد.

۴. قانون‌گذار در مواد ۱۱۹ تا ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی به توبه اشاره کرده است و نسبت به سابق بر آن یعنی قانون سال ۱۳۷۰ به شکل منسجم‌تری به آن پرداخته است هرچند کاستی‌هایی در این بین موجود است اما نسبت به سابق در حوزه قانون‌گذاری شفاف‌تر عمل کرده است، به طوری که قانون‌گذار در حدود و تعزیرات، توبه را پذیرفته است. اما در خصوص دیات، قصاص و حد قذف به لحاظ حق الناس بودن آن توبه را نپذیرفته هرچند در حوزه تعزیرات با نواقصی مواجه هستیم بدین نحو که: توبه در جرایم تعزیری درجه ۶ و ۷ و ۸ از علل سقوط مجازات برشمرده می‌شود و با توجه به اطلاق ماده ۱۱۵ می‌توان چنین نتیجه گرفت که جرایم قابل‌گذشت و غیرقابل‌گذشت را در بر می‌گیرد با این توضیح که در جرایم قابل‌گذشت و غیرقابل‌گذشت درجه ۶ و ۷ و ۸ چنانچه متهم توبه نماید، کیفر وی ساقط می‌شود. این که جبران خسارت بزه‌دیده به چه صورتی است و چرا مدنظر

قانون‌گذار نبوده است جای بسی تامل است. تفکیک جرایم تعزیری از ۱ تا ۵ برای تخفیف و ۶ تا ۸ برای سقوط مجازات در پی این بوده است که با گسترده نمودن دامنه معافیت مجازات به مجرمین فرصت دوباره این در جهت بازگشت مجدد به جامعه را دهد و از برجسب‌زنی و تکرار مجدد جرم توسط آنان جلوگیری نماید.

۵. مقنن در خصوص حقوق بزه‌دیده در فرایند توبه مرتکب سخی به میان نیاورده است. از این رو این اشکال مطرح می‌شود که در فرضی که مرتکب توبه نمود و اصلاح شد حقوق بزه‌دیده به چه نحو است. به دیگر سخن مقنن در بحث تعویق و تعلیق مجازات‌ها شرایطی برای جبران زیان‌های بزه‌دیده مطرح نموده که در احراز این شرایط تعویق و تعلیق قابل اعمال است. لیکن در خصوص توبه سکوت نموده است.



فهرست منابع

- قرآن کریم.
- ابراهیمی، شهرام. (۱۳۹۴)، پیشگیری از تکرار جرم در پرتو بازپذیر سازی اجتماعی بزهکاران (چاپ اول). تهران: انتشارات میزان.
- دلماس، مارتی. (۱۳۸۱)، نظام های بزرگ سیاست جنایی، جلد اول (چاپ اول). ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران، انتشارات میزان.
- آنسل، مارک. (۱۳۹۱)، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- مرعشی شوشتری، آیت اله سید محمد حسن. (۱۳۶۹)، دیدگاه های نو در حقوق کیفری اسلام، به کوشش دکتر عباس شیری (چاپ اول). تهران، انتشارات میزان.
- جبعلی عاملی، (شهید ثانی) زین الدین بن علی. (۱۴۱۳ق)، مسالک الافهام، جلد چهاردهم، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- افراسیابی، علی. (۱۳۸۹)، امکان بازپذیری اجتماعی بزهکاران در بسترهای کیفری و پسا کیفری موجود، مطالعات پیگیری از جرم، سال پنجم، شماره ۱۵ (علمی- ترویجی) از ۳۳ تا ۵۸.
- حاجی ده آبادی، احمد؛ رجبی، محمد. (۱۳۹۴). تأملی بر مقررات توبه در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، حقوق اسلامی، شماره ۴۶ (علمی- پژوهشی) از ۷ تا ۳۰.
- حسینی، سید علی. (۱۳۷۴)، توبه و سقوط، تعزیر علوم اجتماعی دین و ارتباطات، شماره ۲ از ۱۱۹ تا.
- داور یار، محمد علی. (۱۳۸۴). توبه و سقوط مجازات ها، مطالعات اسلامی، شماره ۶۷ (علمی- پژوهشی) از ۱۵ تا ۲۲.
- زراعت، عباس. (۱۳۸۶). توبه، عذر معاف کننده یا عامل سقوط مجازات، مطالعات اسلامی، شماره ۷۷ (علمی- پژوهشی) از ۲۹ تا ۵۴.
- صادقی، محمد هادی. (۱۳۹۲). نقش توبه در حدود و تعزیرات، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال چهارم، شماره دوم، صفحات ۱۷۴-۱۵۳.
- صابر، محمود؛ رفیع زاده، علی. (۱۳۹۴). مقررات ماهوی و شکلی توبه در نظام قانونگذاری کیفری ایران، دیدگاه حقوق قضایی، شماره ۷۱. ۷۳ تا ۹۳.
- طاهری، حبیب الله. (۱۳۸۹). نقش توبه در اسقاط حدود، پژوهش های فقهی، سال ششم، شماره ۲۰. ۲۸ تا ۵.

- طاهری، محمدعلی؛ امینی، جهاندار. (۱۳۹۳). توبه مجرم در فقه مقارن، مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، سال نهم، شماره ۳۵.
- حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۳ ق)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. جلد هجدهم، قم، موسسه نشر اسلامی
- عسگری، اسلام پور. (۱۳۸۳). جایگاه توبه و نقش آن در امور کیفری اسلام، رواق اندیشه، شماره ۳۹ از ۹۴ تا ۱۲۲.
- عسگری، اسلام پور. (۱۳۸۴). توبه در امور کیفری، مذاهب و عرفان، شماره ۹۳ از ۶۹ تا ۸۰.
- فرهمند، مجتبی؛ آقایی نیا، حسین. (۱۳۹۵). جلوه‌های عدالت ترمیمی درهای موجب سقوط کیفر در قانون مجازات اسلامی، علوم اجتماعی، دانش انتظامی، شماره ۷۲ (علمی - پژوهشی) از ۶۸ تا ۹۱.
- انصاریان، حسین (۱۳۸۶)، توبه آموزش رحمت. چاپ سوم. قم، دارالقرآن. صص ۸۶-۸۰.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین. (۱۳۸۷)، سیاست جنایی ایران در قلمرو اداره زندان‌ها، تهران، انتشارات مجد.
- بابایی محمدعلی؛ غلامی، میثم (۱۳۹۳). مهم‌ترین جلوه‌های کیفرزایی در قانون جدید مجازات- اسلامی. صص ۸۰-۵۹. سال اول. شماره ۳.
- قدسی، سید ابراهیم؛ سجودی، سید رضا (۱۳۸۶). عفو در حقوق کیفری ایران و بررسی فقهی آن. صص ۱۷۴-۱۳۱. الهیات و معارف اسلامی. شماره ۷۵.
- قرباننیا، ناصر. (۱۳۷۷). فلسفه مجازات، فلسفه و کلام، نقد و نظر، شماره ۱۵ و ۱۶ از ۴۱۷ تا ۴۴۸.
- بهرامی، زهرا. (۱۳۸۹)، توبه و نقش آن در اسقاط حدود در مذاهب و حقوق موضوعه ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- نجفی، محمد حسن. (۱۴۰۸ ق)، جواهر الکلام فی شرح شرع الاسلام، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- جبعلی عاملی، (شهید ثانی) زین‌الدین بن‌علی. (۱۳۸۱)، الروضة البهیه فی شرح اللمعه دمشقیه، جلد سوم. قم، بی‌تا.
- بهنسی، احمدفتحی. (۱۴۲۱ ق)، الموسوعه الجنایی فی الفقه المقارن. بیروت، دارالنهضة العربیه.
- موسوی بجنوردی، میرزا حسن. (۱۳۷۷)، القواعد الفقهیه. چاپ ششم. جلد هفتم. قم، نشر الهادی.
- طوسی، محمدبن محمدبن الحسن. (۱۴۲۰ ق)، الخلاف. جلد ششم، چاپ اول. قم، موسسه نشر- اسلامی.
- خوبی، ابوالقاسم. (۱۴۴۲ ق)، مبانی تکمله منهج. جلد چهل و یکم، قم، موسسه احیا آثار امام خوبی.

- شیری، عباس. (۱۳۹۷)، حق بزه دیده در تعیین کیفر و نحوه اجرای آن، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۸۱، صص ۱۰۵-۷۷.

